

# سیمای شرف الدین در نگاه اندیشمندان

محمد اکرمی

پیش گفتار

سخن این نوشته درباره عالمی ربانی و مجاهدی نستوه و اندیشمندی فرزانه مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین موسی عاملی است. او که پاسدار بزرگ حقایق اسلام و مصالح مسلمین بود، در جهت شناساندن درست اسلام در دنیای پر آشوب قرن چهاردهم اسلامی به ویژه در جهان غرب، گام های بس بلندی برداشت و برای تحقق بخشیدن به آرمان های مقدس اسلامی کوشش فراوان کرد.

زندگی و افکار و اعمال و روش ها و منش های مرحوم شرف الدین می تواند برای همگان سرمشقی گرانقدر باشد. در این مقال تلاش شده دیدگاه ها و نظریات یک یک اندیشمندان و پژوهشگران جهان اسلام در باره اندیشه ها و افکار و ویژگی ها و ارزش ها و آثار و خصوصیات اخلاقی مرحوم شرف الدین به رشته تحریر درآید، امید است مورد قبول درگاه احدیت قرار گیرد.

البته باید اعتراف کرد در این فرصت اندک نمی توان شخصیت این عالم بزرگ را به نگارش در آوریم، چرا که او را اقیانوسی از آگاهی و اخلاق و رفتار و صفات برجسته انسانی می دانیم که بیان کردنی و نوشتنی نیست.

\*

علامه امینی در کتاب شهداء الفضیله درباره شرف الدین چنین می گوید: شرف الدین، یکی از قله های رفیع تشیع است و یکی از درفش های افراشته اسلام، او در این روزگار، نماینده عظمت سادات و بنی هاشم است. شیعه را می سزد که به شرف الدین افتخار کند و به دانش سرشار و شرف تابان و پارسایی عمیق و منطبق فصیح و تبلیغات سودمند او. او ساکن صور در جبل عامل بود و صاحب بیش از سی تألیف ارزشمند<sup>۱</sup>.

مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی شرف الدین را دارای شرایط مرجعیت مطلق شیعه دانسته و در سفری که به

سال ۱۳۶۵ قمری به لبنان داشت با مرحوم شرف الدین دیدار کرد و خطاب به وی گفت: اکنون حوزه علمیه نجف به شما احتیاج مبرم دارد، بدانجا بیایید و اموری را که به من مربوط است (امور مرجعیت کل جهان تشیع) متصرف شوید، آنچه مناسب شأن شماست در آن جا مهیاست.<sup>۲</sup>

شیخ مرتضی آل یاسین در نامه ای به شرف الدین چنین می نویسد: سیدحماةالدین اسلامی و کبیر سدة المذهب الامامی العلم والدين، حجة الاسلام والمسلمين، آية الله في العالمين جعلت فداك؛<sup>۳</sup> سرور نگهبان دین اسلام و بزرگ خادمان مذهب تشیع، پیشوای علم و دین، حجت اسلام و مسلمین، آیت خدای جهان، جانم فدای تو باد.

علامه میرزا محمد علی اردو بادی در نامه ای به مرحوم شرف الدین می نویسد:

سرور سرامدان مسلمین و درفش افراشته دانش و دین، مایه پشتگرمی فقها و مجتهدین، برهان حقانیت اسلام و مسلمانان.<sup>۴</sup>

حضرت آیت الله العظمی سید حسن بروجردی در دیدار با مرحوم استاد سیدصدرالدین فرزند مرحوم شرف الدین در قم از مقام علمی و خدمات آن بزرگ مرد تاریخ تشیع تجلیل کرد و او را یکی از مفاخر عالم اسلام و تشیع دانست و گفت:

قدرت بیان و نثر شیوا و متانت و قوه استدلال مرحوم شرف الدین بی نظیر بود.<sup>۵</sup>

شیخ سلیم بشری - مالکی مفتی بزرگ الازهر - درباره شرف الدین می گوید:

سلام بر علامه بزرگ عبدالحسین شرف الدین موسوی ... من در طول عمر خود هرگز در صدد اطلاع از چگونگی اوضاع داخلی شیعیان برنیامده و اخلاقشان را نیازموده بودم؛ زیرا من نه با خود آنها و نه در اجتماعشان و کشور هایشان زندگی کرده بودم، اما همیشه علاقه داشتم که با دانشمندان آنها به بحث و گفتگو بنشینم و در میان مردمان عادی آنان باشم و از نظریات و خواسته های آنها

۱. شهداء الفضیله، ص ۱۱۶.

۲. المنص والاجتهاد، ص ۲۶.

۳. المراجعات، مقدمه، ص ۲۸.

۴. المراجعات، مقدمه، ص ۳۰، چاپ ۲۰.

۵. اجتهاد در مقابل نص، ترجمه علی دوانی، ص ۱؛ مجله پیام انقلاب، شماره ۸۴.

مطلع گردم... تا این که تقدیر الهی مرا به ساحل اقیانوس وجود تورساند، اجازه می‌خواهم که دل به این دریا بزنم و در آن غوطه ور شوم و از جواهر گرانبهای آن به قدر توان خود سهمی بردارم.<sup>۶</sup>

شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره مرحوم شرف الدین می‌گوید: سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی از بزرگان عالمان اسلام و از نوایغ شیعه در این عصر به شما می‌آید. اما سید شرف الدین در تاریخ افتخارات این خاندان، خود صفحه‌ای تازه گشوده است و او به تنهایی چنان عظمتی آفریده است که گروه انبوه نمی‌یازند آفرید. چقدر بجاست این گفتم شاعر عرب از زبان شرف الدین که اگر چه سرسلسلگان خاندان من همه از پاکان و برجستگان بوده‌اند، لکن من خود- شکر خداوند را نقطه شروع عظمت و افتخارم.<sup>۷</sup>

شیخ آقا بزرگ در کلامی دیگر می‌گوید:

شرف الدین که از افتخارات این روزگار است و یکی از آیات بزرگ خداست که در عصر حاضر طلوع کرده است. برای این سده اسلامی، همین بس که این نابغه یگانه در آن ظهور کرده است و برای جیل عامل همین بس که پایگاه این پرچم افراشته دین و این نیروی گسترنده هدایت است.<sup>۸</sup>

آیت الله شیخ عبدالکریم جزایری می‌فرمایند:

من از زمان قدیم آن مرحوم را می‌شناسم، مردی بود که در علم و ادب به بالاترین درجه آن ارتقا یافته و به تاریخ اسلامی احاطه کاملی پیدا کرده بود، قلم بسیار زیبا و روانی داشت که در طول عمرشان در راه دفاع از حوزه دینی همواره او را همراهی می‌کرد.<sup>۹</sup>

محمد رضا حکیمی درباره شرف الدین می‌گوید:

عالمی چون شرف الدین باید دارای معلوماتی وسیع در رشته‌های گوناگون باشد و از فرهنگی گسترده و ژرف برخوردار باشد. این چنین عالمی باید دارای جامعیتی درخور باشد و در جوانب مختلف فرهنگی اسلامی حضور داشته باشد.

من... در برابر شرف الدین، دچار هیجانی گسترده و عمیق می‌شوم. این فقیه محدث که در نجف تحصیل کرده و با کتاب‌ها و متون معهود سروکار داشته است، چگونه است که وقتی قلم به دست می‌گیرد و به بیان و اندیشه و آفرینش تعبیر می‌نشیند، گوی سبقت از نویسندگان بزرگ و متخصصان اهل قلم می‌ریاید.

آیت الله شیخ حسین حلی می‌گوید:

مرحوم سید شرف الدین در اعلاهی کلمه حق و برافراشتن

پرچم اسلامی از بزرگان علمای عاملین بودند که تألیفات جاودانه او و جایگاه معروفش بهترین دلیل بر این مطلب است، جامعه اسلامی با از دست دادن او خسارتی بزرگ را بر خود هموار کرد.<sup>۱۱</sup>

امام خمینی-رضوان الله تعالی علیه- بعد از شنیدن خبر ارتحال مرحوم شرف الدین، ضمن تعطیل کردن درس فرمودند: هشام بن حکم زمان ما از دنیا رفت.<sup>۱۲</sup>

آیت الله العظمی خوئی می‌فرمایند:

یک بار با او در لبنان هنگام شرفیابی به زیارت خانه خدا و بار دیگر هنگامی که به زیارت نجف اشرف تشریف آورده بودند ملاقات کردم، در هر دو بار فضایل اخلاقی او را در مرتبه‌ای از عظمت دیدم که برابری با آن نمی‌توان کرد و از نظریات چنان محکم و بزرگی برخوردار بود که به پایه آن نمی‌توان رسید. کسی جهاد او را در راه اعلاهی کلمه اسلام نمی‌تواند نادیده بگیرد، در دفاع از شریعت اسلامی و یاری مذهب حقه جعفری و دعوت به اصلاح و پیشرفتگی، توفیق همواره یار او بود که خدا بهترین پاداش نیکوکاران را به ایشان عطا فرماید.<sup>۱۳</sup>

حجة الاسلام علی دوانی در مقدمه کتاب النص والاجتهاد درباره شرف الدین می‌گوید:

مؤلف بزرگوار در زمانی که افزون از هشتاد سال داشته است، نتیجه مطالعات عمیق خود را پس از نگارش چهل کتاب پر ارزش مذهبی و اسلامی، در کتاب حاضر آورده است. قدرت فکر و احاطه وی بر احادیث و مدارک و منابع اهل تسنن و توانایی او در نقض و ابرام موضوعات مختلف و متانت و مهارت وی، در هر بخشی از آن جلوه گر است.<sup>۱۴</sup>

صدرالدین شرف الدین فرزند مرحوم شرف الدین درباره پدر می‌گوید:

پدرم سعی داشت سخنش جامع شروط صحت و زیبایی و وضوح کامل باشد. می‌دیدم مدارک و منابع را در اطراف خود جمع کرده است، بعضی از آنها را گشوده و بعضی

۶. المراجعات ص ۲۹-۳۰.

۷. شرف الدین، محمد رضا حکیمی، ص ۴۹-۵۰.

۸. نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۰۸۳.

۹. حیاة الامام شرف الدین فی سطور، ص ۱۲۸.

۱۰. النشاط الثقافي، شماره ۱، ص: ۱۳۹.

۱۱. حیاة الامام شرف الدین فی سطور، ص ۱۲۹.

۱۲. مجله نورعلم، دوره سوم، شماره هشتم، ص ۱۲۸.

۱۳. حیاة الامام شرف الدین، ص ۱۲۸؛ نشاط الثقافي، ش ۱، ص ۲۳۸.

۱۴. اجتهاد در مقابل نص، مقدمه، ص ۷.

دیگر را به صورت چسبانده و با دیدگانی که به سختی می دید و حتی چشم راستش بی نور بود مطالعه می کند، سپس به فکر فرو می رود و در اطراف آنچه خوانده بود می اندیشید به طوری که اگر با وی سخن می گفتند نمی شنید و اگر می شنید اعتنا نمی کرد. او با همه پیری و کبر سن دارای عقل و همتی جوان بود، سن زیاد او، او را از تحقیق و بررسی ناتوان نمی ساخت. مسئولیت های عمومی که به عهده داشت، مانع ورود وی به میدان فکر و اندیشه و تعمق پیرامون مسائل علمی نبود، گوئی برای این کار ساخته شده است، و تنها باید در این باره فکر کند.<sup>۱۵</sup>

سید محمد صادق صدر در باره شرف الدین می گوید:

امروز جهان اسلام شخصیت علامه، فقیه شیعه سید عبدالحسین شرف الدین را که عمر گرانمایه خود را در راه مصالح عمومی و مسلمین وقف کرد بزرگ می شمارد، شخصیت محبوبی که تازنده بود عظمت و شهرتش گوش و چشم همه را پر کرده بود، زمان صفحه زندگی نورانی او را ورق زد، ولی دفتر حیات علمی و آثار باقی و امور خیریه و خدمات بزرگ او در راه خدا و دین همچنان باز است.<sup>۱۶</sup> مورخ مشهور شیخ ذبیح الله محلاتی درباره مرحوم شرف الدین می نویسد:

این سید معظم و دانشمند بی نظیر از بزرگان علمای عصر خود به شمار می رفته. وی در علم فقه، علم حدیث، علم رجال، ادبیات، شعر، اصول مذهب و مراتب علمیه و کمالات نفسانیه یگانه عصر خود و موجب افتخار شیعیان دوازده امامی به شمار می رفته است.<sup>۱۷</sup>

جناب سید مصلح الدین مهدوی درباره شرف الدین می گوید: مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین از بزرگان علمای فقها و مجتهدین و خدمتگزاران به شرع و مسلمین و از جمله کسانی است که در راه وحدت امت اسلامی خدمات زیادی انجام داده است.<sup>۱۸</sup>

علامه میرزا محمدعلی مدرس درباره مرحوم شرف الدین می نویسد:

وی از اکابر علمای امامیه عصر حاضر ما می باشد که در فقه و حدیث و رجال و شعر و ادبیات و اصول مذهب و دیگر مراتب علمیه و کمالات نفسانیه طاق و شهرة آفاق و مایه افتخار شیعه بر دیگر فرق اسلامی بلکه اسلام بر ملل دیگر می باشد و ایشان به مرتبه عالمان بزرگ رسید و صاحب موقعیت علمی و معنوی شد و به مقام بلند فقاقت و اجتهاد

دست یافت و از سوی فقهای طراز اول نجف اشرف، صاحب اجازات و تأییدات اجتهادی شد.<sup>۱۹</sup> سید محمد تقی حکیم، در مقدمه خود بر کتاب النص و الاجتهاد چنین می گوید:

آثار مبارزات و کشمکش های فکری شرف الدین را با دیگران، که به منظور رسیدن به حق از کوتاه ترین راه، (و نشان دادن آن) انجام یافته است در کتاب های ارجمند او می توان دید، یعنی در المراجعات، الفصول المهمه، کلمة حول الرؤیه، الی المجمع العلمی، اجوبه مسائل موسی جاراالله و دیگر آثار او. این کتاب ها همه پیرامون مسائل اعتقادی و ایدئولوژیکی بحث می کند، بحثی تطبیقی، همراه با جدل علمی و نقد آرا، با اصالت و عمقی که مؤلف در میان نویسندگان این نسل بدان شهره است. دلپذیرترین خبری که در کتاب های وی، علاوه بر مطالب علمی، تالو دارد آموزش هایی است که در مورد آداب بحث و مناظره به خواننده می دهد، چون آثار او سرشار است از فروتنی، فروتنی که به حساب معمول - تنها در عالمان بزرگ دیده می شود، یعنی کسانی که عقده حقارت ندارند تا بخواهند آن را از راه بزرگی فروشی و تعصب جبران کنند و سپس این کار را به حساب دفاع از حق بگذارند؛ بهترین نمونه برای آموزش های یاد شده کتاب المراجعات اوست.<sup>۲۰</sup>

سید احمد حسینی اشکوری درباره شرف الدین می گوید: ان الامام شرف الدین، هو الواحید بین علماء الشیعه الامامیه، فی کثرة طبقات مؤلفاته، و انتشارها، انتشاراً بین سائر الناس؛<sup>۲۱</sup> شرف الدین از این نظر که نوشته هایش بارها به چاپ رسیده و به صورتی وسیع در میان همه طبقات، انتشار یافته است، در میان علمای شیعه بی مانند است. دکتر حامد حنفی در مقدمه ای که بر کتاب المراجعات نوشته می آورد:

اهمیت کتاب المراجعات وقتی به خوبی روشن می شود که ما به زمان انتشار آن توجه کنیم و وقتی که در دست شیعه و سنی قرار گرفت تا آن را بخوانند، مؤلف این کتاب را در اوائل قرن

۱۵. اجتهاد در مقابل نص، مقدمه، ص ۱-۲.

۱۶. همان، ص ۴.

۱۷. اختران تالباک، ج ۱، ص ۲۵۶.

۱۸. تاریخ علمی و اجتهادی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۱، ص ۹۶.

۱۹. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲۰. النص و الاجتهاد، مقدمه، ص ۶۱-۶۲.

۲۱. مؤلفوا الشیعه فی صدر الاسلام، مقدمه، ص ۸-۹.

امام العلم والدين، حجة الاسلام والمسلمين، آيت الله في العالمين جعلت فداك؛<sup>۲۶</sup> سرور نگهبانان دين اسلام، بزرگ خادمان مذهب تشيع، پيشواي علم و دين، حجة الاسلام و بزرگ خادمان مذهب تشيع، پيشواي علم و دين، حجة الاسلام و مسلمين، آيت خدای جهان-جان فدای او باد.

علامه شيخ مرتضى آل ياسين نجفی در مقدمه کتاب المراجعات درباره شرف الدين می گوید:

شرف الدين، در جبل عام، زندگی جدیدی را آغاز کرد. درباره امور دينی و شعائر اسلامی سختگیری می کرد، اما در اخلاق و رفتار ملايم بود، در دفاع از حق، قدرت نشان می داد، اما در برابر مردم ضعيف و ناتوان با رفق و مدارا رفتار می نمود. امر به معروف و نهی از منکر می کرد، در برابر مردم متدين، خاکسار بود و در برابر عالمان، فروتن. در آن روزگار در لبنان زمین داری ناهنجاری وجود داشت. توده های مردم در برابر مالکان اختیاری از خود نداشتند و برای زندگی معنایی جز بردگی نمی دانستند. مالکان و توان گران نمی گذاشتند که آنان مفهومی ديگر و بالاتر از زندگی درک کنند. زندگی توده های محروم، زیر پای جباران، طاغوت ها پایمال شده بود. چون شرف الدين در آنجا استقرار یافت نتوانست آن نظام خرد کننده و آن استبداد استثمارگر را قبول کند و در برابر بر باد رفتن حقوق توده های محروم ساکت بماند. شرف الدين نه از وجدان خود، نه از ایمان خود، نه از احسان خود، از هیچ کدام نتوانست مجوزی برای سکوت در برابر زمین داری و مالکیت اقطاعی فئوال ها دریافت کند. او به تنهایی در برابر همه آنان ایستاد.<sup>۲۷</sup>

شيخ آقا بزرگ تهرانی درباره مرحوم شرف الدين می گوید: کسی که بخواهد شرف الدين را توصيف کند چه بگوید، بگوید او مجتهدی است دانا، متکلمی است بی همتا، فیلسوفی است پژوهنده، اصول دانی است متبحر، مفسری است بزرگ، محدثی است صادق، خطیبی است زبان آور، پژوهشگری

چهاردهم خلال دهه سوم و چهارم این سده منتشر ساخت در فترتی بحرانی و خطرناک، که ایادی استعمار با سرنوشت مسلمين بازی می کردند و برای رسیدن به این مقاصد پست خود هیچ وسیله ای بهتر از تفرقه افکنی در میان مسلمين و بهره گیری از اختلافات مذهبی نداشتند؛ آنان می کوشیدند تا بدین وسیله عظمت جهان عرب و اسلام را پایمال کنند و این شکاف افکنی در اوایل این قرن به اوج خود رسیده بود.<sup>۲۲</sup>

صدرالدين فرزند مرحوم شرف الدين درباره کتاب النص والاجتهاد می گوید:

من در ساعت هایی که نویسنده جاودانیاد، سخت درگیر نوشتن بوده، به او سر می زدم، می دیدم که با مسائل کتاب درهم آمیخته، موضوعی را می پروراند و سپس تغییراتی را زمزمه می کند تا وقتی که قالب خورند محتوی را بیابد. و همین که بر حسب معیارهای هنری خویش، قالب مناسبی برای بیان فکر را می یافت به دبیر خود می گفت تا بنویسد، آن هم به صورت پیش نویس و سپس بارها آن را سبک و سنگین می کرد و تنها هنگامی می پسندید که کلمات، رسا باشد و آهنگین و جملات، منسجم باشد و خوشبافت و نوشته، تابلوی شده باشد رنگ آمیزی شده.<sup>۲۳</sup>

سید مهدی صدر در نامه ای به شرف الدين می نویسد:

من، با نهایت احترام، کتاب عظیم و نوشته جلیل شما المراجعات را گرفتم و دیدم که این کتاب یکی از بزرگ ترین کتاب هاست. اگر المراجعات را جزء تألیفات سید مرتضى بگذارند یکی از بهترین آثار او به شمار خواهد آمد. سوگند به خداوند، اگر سید مرتضى این کتاب را دیده بود، می گفت این کتاب النشافی فی الامامه من است.<sup>۲۴</sup>

دکتر محمد یوسف موسی مصری می گوید:

... واخذت فی قرائة الكتاب، فاذا هو یبین عن علم و تحقیق و بحث عمیق، فوق انه فی طبقة عالیة، من البلاغه و جزالة الاسلوب؛<sup>۲۵</sup> من به خواندن کتاب المراجعات پرداختم و به محض خواندن دریافتم که آن، نمونه است از علم و تحقیق و پژوهش عمیق، بالاتر از همه، این که المراجعات از نظر بلاغت و اسلوب والا در سطح بالا قرار دارد.

آرا و دیدگاه ها درباره اندیشه های سیاسی-اجتماعی علامه شرف الدين

شيخ مرتضى آل ياسين در نامه ای به شرف الدين چنین می نویسد: سید حمزة الدين الاسلامی، و کبیر سندنه المذهب الامامی،

۲۲. مشعل اتحاد اسلامی، ص ۶۲ به نقل از المراجعات، ص ۳۴۶.

۲۳. النص والاجتهاد، مقدمه، ص ۶۶.

۲۴. المراجعات، مقدمه، ص ۳۳.

۲۵. همان، ص ۳۶.

۲۶. همان، ص ۲۸.

۲۷. همان، ص ۷، ۶.

است نقدگرا، ادیبی است سترگ، آری شرف‌الدین این همه است و علاوه بر اینها مجاهدی است نستوه در راه دین و مبارزی است پیوسته در سنگر مذهب حق، گواه او، قلم اوست، کتاب‌ها و نوشته‌های او و سخنرانی‌ها و منبرهای او و خدمات سودمند و مباحثات و استدلال‌های کوبنده‌اش.<sup>۲۸</sup>

آیت‌الله سید جواد تبریزی می‌گوید:

... مرحوم سید عبدالحسین شرف‌الدین شخصیتی بودند آزاداندیش و متفکری شجاع و گوینده‌ای توانا و رزمنده‌ای مجاهد که گویی امتی از شخصیت‌ها در شخصیت او جمع آمده بودند.<sup>۲۹</sup>

مرحوم آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم، درباره شرف‌الدین می‌گوید:

سید شرف‌الدین منبع رحمت و احسان بود و همگان از رحمت و احسان او بهره‌مند می‌شدند.<sup>۳۰</sup>

سید حسین نوه شرف‌الدین می‌گوید:

پدر بزرگ، مبارزات سیاسی خود را با رهبری جنبش عربی در «جبل عامل» آغاز کرد. این جنبش استقلال طلبانه، حکومت فرانسویان را بر لبنان محکوم می‌کرد، و در صدد نجات دادن لبنان از چنگال فرانسوی و رساندن به استقلال بود. فعالیت‌های او در این مبارزات معروف است و در

کتاب ذبیحۃ الراجبین ذکر شده است.

پدر بزرگ، تا آخر کار، در برابر فرانسویان موضع مخالف داشت و علی‌رغم کوشش‌های بسیاری که برای جلب نظر و استمالت خاطر او کردند همیشه با بیگانگان بر سر مخالفت و ستیز بوده.<sup>۳۱</sup>

سید محمد باقر صدر در باره شرف‌الدین می‌نویسد:

مجاهدات شرف‌الدین در دوره عثمانی، منحصر به امور دینی بود، زیرا که حکومت لبنان، حکومتی اسلامی بود... لکن در دوره استیلای فرانسویان که دست به فساد و تباهی زدند و بر مسلمین تسلط یافتند و آثار اسلامی را از بین بردند مبارزات سیاسی شرف‌الدین آغاز گشت. وی شروع کرد به بیدار کردن افکار و توجه دادن مردم به ظلم‌ها و فسادهای فرانسویان و بدین منظور، اجتماعاتی تشکیل می‌داد و از کسانی که مورد اطمینان بودند و اهل شهامت و وطن‌خواهی دعوت می‌کرد و همت آنان را بر می‌انگیخت تا در مبارزه با دشمن به پا خیزند و صحنه‌ای درخشان بر تاریخ خویش بیفزایند.<sup>۳۲</sup>

سید محمد صادق صدر در باره شرف‌الدین می‌گوید:

سید بزرگوار ما در طول زندگی پرافتخارش هر وقت ایجاب می‌نمود دست از مبارزه و جهاد بر نمی‌داشت. در

خطابه‌های بلیغ و مجالس پرجمعیت و مؤلفات پرارزش خود پیوسته مسلمانان را دعوت به وحدت و اتفاق نظر و دوری از تعصب‌های ناروا می‌کرد...

سید عالی قدر نمونه‌ای عالی حسن خلق و سخاوت طبع بود. با خلق و خوی علوی خود بزرگ و کوچک را مورد احترام و تفقد قرار می‌داد. از افراد بی بضاعت دستگیری می‌نمود. از کسانی که به وی بدی می‌کردند چشم‌پوشی می‌کرد و از تقصیر آنها می‌گذشت، دستی‌دهنده و نظری بلند داشت. در تمام دوران حیات پرافتخارش از زمان جوانی تا سنین پیری این صفحات برجسته را به کار می‌بست.<sup>۳۳</sup>

صدرالدین شرف‌الدین فرزند مرحوم شرف‌الدین درباره پدر می‌گوید:

او در اواخر عمر همان طوری که در میان انبوه کتاب‌ها نشسته بود به کار مردم و مشکلات آنها رسیدگی می‌کرد. آن هم طبق معمول با گشاده‌روی و دقت و ملاحظه و همین که از رسیدگی به کار مراجعان فراغت می‌یافت به مطالعه و تألیف باز می‌گشت و از همان‌جا که متوقف شده بود ادامه می‌داد. بسیار اتفاق افتاد که بی‌موقع او را از کارش باز می‌داشتند، ولی حافظه و هوش او چنان بود که مطلب و کار را فراموش نمی‌کرد.<sup>۳۴</sup>

درباره مبارزات شرف‌الدین با امپریالیسم فرانسوی، یکی از نویسندگان عرب چنین می‌گوید: «حضرت مجتهد بزرگ، سید عبدالحسین شرف‌الدین، حجت اسلام و حقیقت بود و یک رهبر دینی و مردمی، رهبری که هیچ‌کس به مقام بلند او نمی‌رسید و همچون او نمی‌توانست باشد. با یک اشاره او جنوب لبنان به حرکت در می‌آمد و سپس همه لبنان، آن‌گاه دمشق و آن‌گاه بغداد. فرانسویان از او می‌ترسیدند و در دل از او هراس داشتند و به مقام ارجمند او حرمت می‌گذاشتند. دوست می‌داشتند که به روی یکی از آنان تبسمی کند.»<sup>۳۵</sup>



۲۸. نقیاء البشر، ج ۳، ص ۱۰۸۳.
۲۹. نورعالم، دوره سوم، شماره هشتم، ص ۱۲۸.
۳۰. حیات الامام شرف‌الدین فی سلطوره، ص ۱۲۸؛ النشاط الثقافي، شماره ۱، ص ۲۴۰.
۳۱. شرف‌الدین، محمدرضا حکیمی، ص ۲۵۹.
۳۲. مجله حوزه، ویژه‌نامه میرزای شیرازی، شماره ۵۲، ص ۵۴؛ النص والاجتهاد، مقدمه، ص ۱۴-۱۵.
۳۳. اجتهاد در برابر نص، مقدمه، ص ۴.
۳۴. همان، ص ۱-۲.
۳۵. مجله المجتمع العربي، سال ۱۹۷۸، ش ۷، ص ۳۴.